



۵

مجله علمی، فرهنگی و ادبی
شماره ۳۳-۳۴ پاییز ۱۳۹۲

امام حسین (ع)، مبنای گفتمان تقریب بین مذاهب اسلام

■ سید محمد تقی شاکری

استادیار گروه فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی

mtshakeri@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱

چکیده

در این مقاله سعی شده است که براساس منابع اصلی اهل سنت اعم از کتب روایی، تاریخی و تراجم، اهمیت و محبت خارق العاده پیامبر (ص) به امام حسین (ع) مشخص و با برشمردن فضایل اخلاقی و معنوی و الگوبرداری از قیام آن حضرت، سرمشق قرار گرفتن وی برای پرورش روح آدمی و اسوه بودن او در بین امت اسلامی مورد تحلیل واقع شود و از این رهگذر تبیین گردد که با توجه به فصل الخطاب بودن و حجیت سنت پیامبر (ص)، محبت به امام حسین (ع) موجب نزدیکی و محبت میان خود مسلمانان می شود و این محبت مورد توافق می تواند گفتمان اتحاد و تقریب مذاهب اسلامی را تقویت و پُر بار نماید.

کلیدواژه‌ها: پیامبر اکرم (ص)، امام حسین (ع)، محبت، اسوه، اتحاد، تقریب بین مذاهب.



مقدمه

از جمله آرمانها و وظایف برنامه‌های تقریب بین مذاهب، توضیح و تبیین صحیح موضوعات مبهمی است که به علل گوناگون، همچون آشنایی مختصر با موازین دین مبین اسلام و دسترسی نداشتن به مآخذ مطمئن، با تزویر و نیرنگ دشمنان کژاندیش اسلام، بر دل و جان مسلمانان جهان اسلام سایه افکنده است. زدودن زنگار ابهامات و سوالات فراوان از آینه دل حقیقت‌جویان مستلزم آن است که با عنایت به کثرت مخاطبان برادران اهل سنت، اندیشه‌ها و دیدگاههای ایشان در ارتباط با اعتقادات شیعه از منابع اصلی خود اهل تسنن استخراج گردد، تا بدین وسیله پیوند و علقه برادری بیش از پیش میان سنی و شیعه استحکام و تداوم صمیمانه‌ای بیابد.

از آنجا که انسان کامل نمونه و الگویی واقعی است که نوع بشر می‌تواند با پیروی از آنها خود را به کمالات مقصود نزدیک سازد، اهل بیت پیامبر اکرم (ص) برجسته‌ترین الگوهایی هستند که اسلام به عنوان تحقق کامل احکام خود به مردم معرفی کرده است. در این میان حسین بن علی (ع) به لحاظ موقعیت ویژه انتساب به پیامبر اکرم (ص) و شرایط خاص زمانی از خصوصیات قابل توجهی برخوردار است که نه تنها الگوی انسانهای وارسته و نمونه کامل یک انسان الهی است، بلکه نماد مقاومت نسلهای ستمدیده در مقابل موج بیداد ستمگران و مظهر ایثار و فداکاری در راه احیای حق و اعتلای کلمه الله است؛ چنان که امروز نام و نشانه مقاومت و یاد او رمز ایستادگی است. ماجرای امام حسین (ع) از آن جهت که به دشمنان آن حضرت مربوط می‌شود، بزرگ‌ترین جنایت و نهایت رذالت و حضيض روح آدمی است، ولی از آن جهت که به آن حضرت و یارانش ارتباط می‌یابد، اوج فضیلت و بزرگواری و نمایش عالی‌ترین فضایل انسانی است که از همین جهت می‌تواند بهترین الگوها و معیارهای انسانیت را برای تربیت روح و پرورش فضیلت‌های انسانی ارائه دهد.

با توجه به تنوع و بسیاری منابع اهل تسنن، در این مقاله آن چهره تابناک از منظر این مآخذ آن گونه که از گفتار و کردار پیامبر اکرم (ص) درباره امام حسین (ع) منقول است و

سپس نمونه‌های الگوگیری از رفتار و اعمال آن حضرت، مورد بررسی قرار گرفته می‌شود که می‌تواند به عنوان راهی برای تقریب و نزدیک شدن قلوب مسلمانان به یکدیگر و خلاصی از هرگونه خشونت و تهدید ملاحظه گردد.

منزلت امام حسین (ع) نزد پیامبر اکرم (ص)

۱) حسین، سرور جوانان اهل بهشت

در روایات فراوانی نقل شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت‌اند». این روایات به سندهای متعدد از صحابه معروف همچون ابن مسعود، حذیفه، جابر، ابوبکر، عمر، عبدالله بن عمر، ابوهیره و انس بن مالک نقل شده و از مجموع آنها استفاده می‌شود که پیامبر اکرم (ص) مکرر حسن و حسین (ع) را به این صفت معرفی فرموده و صدور این لفظ «الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة» از آن حضرت متواتر و در میان مسلمانان مشهور بوده است.^۱

۲) حسین، محبوب رسول خدا (ص)

روایات و اخبار فراوانی وجود دارد مبنی بر اینکه حسین (ع) بسیار مورد علاقه و محبت پیامبر قرار می‌گرفت و این محبت یک محبت ساده پدر نسبت به فرزند نبود، بلکه ریشه آن بر علایق و مبانی عمیق و وحدت روحی استوار بود و حکایت از رمز اتحاد و اتصال ناگسستنی معنوی و توافق فکری داشت که تعبیر «انهم منی و أنا منهم»^۲ یا حدیث «انا سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم»^۳ بیانگر همین رابطه است.

جمله اخیر صریح در این است که طرز فکر و روش و سلوک آنها با وضع سلوک و روش پیامبر اکرم (ص) یکی است، جنگ و صلح آنها دقیقاً همان رفتار و جنگ و صلح رسول خدا (ص) است. این نکته بسیار حائز اهمیت است که گوینده این کلمات و الفاظ پیامبر خدا (ص) است که از هرگونه کژاف‌گویی و مدح نابجا منزّه و مبرا است، قول

۱. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۶؛ الجامع الصغير فی احادیث البشر النذیر، ج ۱، ص ۱۵۲ و ۱۵۷؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۸۵ و ۱۸۹؛ سنن ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۹۱، ۱۹۲ و ۱۹۸؛ خصائص امیرالمؤمنین، ص ۴۸، ۴۹ و ۵۳؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ص ۱۵۱.

۲. نظم در السمطين، ص ۱۰۱.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۵؛ سنن ترمذی، ج ۱۳، ص ۲۴۸.



رِیْحَانَتِی الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ»، یا تعبیری مشابه این دو که مضمون همه این است که «فرزند، گُل خوش بو است و گُل خوش بوی من از دنیا حسن و حسین هستند».^{۱۰} در جای دیگر پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرِّيحَانَتَيْنِ».^{۱۱}

در تحلیل و توضیح این محبت و علاقه خارق العاده پیامبر اکرم (ص) به امام حسین (ع)، همان طور که گفته شد، این محبت را صرفاً نمی توان به یک رابطه عاطفی و علاقه خویشاوندی حمل کرد، بلکه رسول گرامی اسلام (ص) با استفاده از تقابل «محبت» و «عداوت» نشان می دهد که پیروان و دوستداران او باید از دو طرف این تقابل یکی را برگزینند: اگر پیرو صادق وی و خواهان سعادت دنیا و عقبی هستند و دلبستگی به استمرار حیات دین اسلام دارند، باید به همان محبوب پیامبر محبت داشته باشند و علامت محبت به او تبعیت از گفتار و کردار او است. در واقع سخنان و رفتار پیامبر حکایت از آن دارد که عداوت نسبت به محبوب او عداوت با خود او است که نتیجه اش شقاوت و بدبختی دنیا و آخرت است. مضامین روایات در کتب فریقین نشانگر آن است که رسول خدا (ص) با اطلاع و آگاهی از مسیر آینده جامعه اسلامی قصد داشته بدین وسیله راه حق و باطل را به وضوح از یکدیگر متمایز سازد. در حقیقت پیامبر اکرم (ص) با بروز این عواطف و سخنان، گویا تمام عداوتها و کینه تویذیهایی را که در آینده بر ضد خاندان او انجام خواهد شد، برای حقیقت طلبان پیشگویی کرده است. از این رو در روایات دیگر، رسول خدا (ص) صریحاً از جنگ با اهل بیت یاد کرده و جنگ با ایشان را همچون جنگ با خود دانسته است: «أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ سَلِمَ لِمَنْ سَالَمَكُمْ».^{۱۲}

یکی از مظاهر محبت والدین نسبت به فرزند، بوسیدن

و فعل او برای بشر حجت و قانون بوده و فرمایشات او براساس «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^۴ ترجمان حقیقت است.

از جمله احادیثی که از محبت ویژه پیامبر حکایت می کند، حدیث یعلی بن مره است که پیامبر اکرم (ص) در مسیر رفتن به میهمانی ناگاه به حسین (ع) برخورد کرد، پیامبر دستهای خود را گشود تا او را در آغوش گیرد، کودک (امام حسین) از این سو به آن سوی می گریخت، پیامبر او را می خداندید تا وی را گرفت و او را بوسید و فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ».^۵

شرباصی در تفسیر این حدیث بعد از اینکه از قاموس نقل می کند که «حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ وَ أُمَّةٌ مِنَ الْأُمَمِ»^۶ می گوید که معنای «سِبْطٌ» جماعت و قبیله است و احتمالاً معنای حدیث آن است که حسین در رفعت و بلندی مقام، مرتبه یک امت را دارد؛ یا اینکه اجر و ثواب او مانند اجر یک امت است، برای عظمت فضیلت و عظمت کاری که از او صادر شد.^۷

همچنین از ابوهیره روایت شده که رسول خدا (ص) درباره حسن و حسین فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُمَا فَاحِبَّهُمَا وَ أَحَبَّ مَنْ يُحِبُّهُمَا».^۸ در خصوص امام حسین (ع) از احمد بن حنبل نقل شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّ حُسَيْنًا فَاحِبَّهُ وَ أَحَبَّ مَنْ يُحِبُّهُ».^۹

دسته دیگری از روایات که حاکی از محبت و علاقه شدید پیامبر به سبط خود است، احادیثی است که تعبیر «ریحانه من از دنیا» در آنها به کار رفته است و از اختلاف الفاظ حدیث معلوم می شود که آن حضرت مکرر این مضمون را به الفاظ مختلف بیان داشته است. در بعضی روایات فرموده است: «إِنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ هُمَا رِیْحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا» و در برخی دیگر می فرماید: «الْوَلَدُ رِیْحَانَةُ

۴. نجم، ۳ و ۴.

۵. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۵؛ سنن ترمذی، ج ۱۳، صص ۱۹۵ و ۱۹۶؛ اسد الغابة، ج ۵، صص ۱۳۰ و ۵۷۴؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۳۹۵؛ ج ۶، ص ۲۳۳.

۶. القاموس المحيط، ص ۸۶۴.

۷. حقیقة الرسول (ص)، ص ۴۰.

۸. الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۷۶؛ السيرة النبوية، ج ۳، ص ۳۶۸.

۹. کنوز الحقائق، ج ۱، ص ۴۴.

۱۰. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۸۸؛ سنن ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۹۳؛ اسد الغابة، ج ۲، ص ۱۹؛ خصائص امیر المؤمنین، ص ۵۴؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۲۰؛ الاصابه، ج ۱، ص ۳۳۲.

۱۱. کنوز الحقائق، ج ۱، ص ۱۴۵.

۱۲. المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۱۷۹؛ المعجم الصغير، ج ۲، ص ۳؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۴۰؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۹۷؛ ج ۱۳، ص ۶۴؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۱۸؛ ج ۱۴، ص ۱۵۷؛ اسد الغابة، ج ۳، ص ۱۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۲؛ ج ۳، ص ۲۵۸؛ البدایة و النهایة، ج ۸، ص ۲۲۳؛ المسند، ج ۲، ص ۴۴۲؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ص ۱۵۱.



او است. در جاهلیت این احساس پاک انسانی که ارزش عاطفی خاصی دارد، مخصوصاً در اعراب، از میان رفته بود و اعراب جاهلی رحم، شفقت، مهربانی و رقت قلب را نوعی ضعف نفس می‌شمردند و سخت‌دلی و تندخویی را ارزش به حساب می‌آوردند. شرح حوادث و عادات زشت اعراب زمان جاهلیت از جمله کشتار و قطع رحم و بی‌مهری و غارت اموال و تندی و خشونت و خون‌ریزی را می‌توان در کتابهای تاریخ به تفصیل مشاهده کرد.^{۱۳} بزرگ‌ترین مظهر قساوت قلب آن مردم در ایام جاهلیت، زنده به گور کردن دختران بی‌گناه بود که در قرآن کریم به آن اشاره شده است.^{۱۴} امام علی (ع) درباره اوضاع جاهلیت مطالب زیاد و درس‌آموزی بیان فرموده است.^{۱۵} بوسیدن فرزند نزد عرب جاهلی عیب و عار محسوب می‌شد و اگر کسی فرزند خود را در حضور دیگران می‌بوسید، این امر دیگران را شگفت‌زده می‌کرد.^{۱۶} پیامبر اسلام (ص) رحمت عالمیان بود و جزء برنامه‌های اساسی و زیربنایی او گسترش رحمت، صمیمیت، مهربانی و محبت نسبت به تمامی مردم و هدایت عقل و احساسات آنان بود. آن حضرت این برنامه را ابتدا از اهل‌بیت خود آغاز کرد و عاطفه پدرانه‌اش نسبت به فاطمه زهرا (س) و فرزندان او نیز در حد کمال بود و با این عمل نشان می‌داد که وجود حسن و حسین امتداد وجود او و بقای آنها بقای خود او است.

تأکید پیامبر بر محبت اهل‌بیت که در منابع اهل سنت به وفور مشاهده می‌شود، موجب شد که برخی دانشمندان اهل سنت به آن اذعان کنند. امام شافعی می‌گوید: «یا اهل‌بیت رسول الله حبکم / فرض من الله فی القرآن أنزلہ کفاکم من عظیم القدر أنکم / من لم یصل علیکم لاصلاة له»^{۱۷} «ای خاندان پیامبر خدا! محبت شما واجب است که خدا در قرآن آن را نازل فرمود. در عظمت قدر شما همین بس که هرکس (در نماز) بر شما درود و صلوات نفرستد، نمازش صحیح نیست».

شاید یکی از علل محبوبیت امام حسین (ع) نزد پیامبر

اکرم (ص) در پاسداری و احیای دین ظهور می‌کند. البته ناگفته نماند که همه اهل‌بیت (ع) با توجه به شرایط زمان و مکان و با انجام فعالیتهای فرهنگی و سیاسی به پاسداری از دین و زنده نگه داشتن آن پرداختند، اما امام حسین (ع) در زمانی برای احیای دین قیام نمود که رهبران دین‌ستیز به دین‌زدایی پرداختند و یزید شعار «لَعَبْتُ هاشم بالملک فلا خبر جاء ولا وحی نزل»^{۱۸} را سر داد. از سوی دیگر باورهای دینی مردم تضعیف شده بود و مردم با معارف اصلی دین فاصله گرفته بودند. از این رو امام حسین (ع) یکی از اهداف قیام خویش را حفظ دین و بدعت‌زدایی بیان نمود^{۱۹} و همگان را به قیام علیه رهبران دین‌ستیز و قانون‌شکن فرا خواند. بی‌تردید قیام امام حسین (ع) نقش اساسی در حفظ و زنده نگه داشتن دین داشت، از این رو می‌توان گفت بین اظهار محبت پیامبر (ص) به امام حسین (ع) و حفظ دین توسط امام حسین (ع) رابطه وجود دارد. در حقیقت پیامبر با علم غیب به آینده می‌دانست اسلامی که او نهالش را غرس کرده است، توسط قیام و فدakarی حسین او به درخت تناوری تبدیل خواهد شد و همین امر ضامن حفظ و بالندگی اسلام تا قیامت خواهد بود.

شاید سرّ واقعی محبت پیامبر (ص) به حسین (ع) از اسرار مکتوم باشد، ولی با تحلیل عقلی قاصر احتمالاً بتوان این دلایل را نیز در تبیین آن محبت برشمرد: الف) تبیین مرتبه و عظمت درجه و کرامت حسین (ع). ب) احترام و محبت به حسین (ع) در ازای هتک حرمت آن حضرت؛ بزرگی مصیبت وارده به آن حضرت وقتی آشکار می‌شود که انسان ملاحظه کند پیامبر با آن حالت از حسین که کودک بود، استقبال می‌کرد، اما زمانی چنان غریب و بی‌یاور می‌شود که حتی کسی در منزل با آن حضرت فرود نمی‌آمد، تا مبدا از او استمداد و طلب یاری نماید؛ از این رو آنها راه کج می‌کردند تا از امام دوری گزینند. ج) مسرور کردن حسین (ع)، تا غم و اندوه و مظلومیت آن حضرت جبران شود؛ زیرا اگر مقصود این باشد تا از او چنین غم و اندوهی جبران نشود، به تلافی آن باید تا این اندازه مورد لطف و عنایت و محبت قرار گیرد.

۱۸. مقاتل الطالبین، ص ۸۰.

۱۹. تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۲۶۶.

۱۳. الکامل فی التاریخ، ج ۱، صص ۵۰۲ به بعد.

۱۴. نحل، ۵۸ و ۵۹؛ تکویر، ۸.

۱۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۶، ۸۸، ۱۵۱، ۲۲۲ و ۲۳۴.

۱۶. پرتوی از عظمت امام حسین (ع)، ص ۴۰.

۱۷. الصواعق المحرقة، ص ۸۸.



فرمود: «أَتَانِي جَبْرِئِيلُ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ أُمَّتِي سَتَقْتُلُ ابْنِي هَذَا يَعْنِي الْحُسَيْنَ وَأَتَانِي تَرْبَةً مِنْ تَرْبَةِ حَمْرَاءَ»^{۲۳} «جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که امت من همین پسر من حسین را می‌کشند و خاکی از خاک سرخ برایم آورد». نکته جالبی که در نوع این روایات است، آن است که این اخبار در حضور مردم بیان شده و در همان حال حسین(ع) در دامن پیامبر یا در دسترس حضرتش بوده است و آورنده پیشگویی، فرشته مقرب خداوند که مسئولیت وحی رسانی را نیز به عهده دارد، است که مجموع این امور نشانگر اتقان و اهمیت و حتمی الوقوع بودن این گونه اخبار است.

- احمد بن حنبل روایت کرده که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «لَقَدْ دَخَلَ عَلَى الْبَيْتِ مَلَكٌ لَمْ يَدْخُلْ عَلَى قَبْلِهَا فَقَالَ لِي: إِنَّ ابْنَكَ هَذَا حَسِينًا مُقْتُولٌ، وَإِنْ شِئْتَ أَرَيْتُكَ مِنْ تَرْبَةِ الْأَرْضِ الَّتِي يُقْتَلُ بِهَا. قَالَ: فَأَخْرَجَ تَرْبَةً حَمْرَاءَ»^{۲۴} «فرشته‌ای بر من وارد شد که پیش از این بر من وارد نشده بود، پس گفت: این پسر ت حسین کشته می‌شود و اگر بخواهی تربت آن زمینی را که در آن کشته می‌شود به تو نشان می‌دهم، پس خاک سرخی را بیرون آورد».

۴) یاری حسین(ع) از واجبات است

از بسیاری از احادیث استفاده می‌شود که یاری کردن امام حسین(ع) واجب بوده است و اگر مسلمانان آن حضرت را یاری می‌کردند، تاریخ اسلام به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. روایتی نقل شده که پیامبر(ص) در حالی که حسین(ع) در دامانش بود، فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا يُقْتَلُ فِي أَرْضٍ يُقَالُ لَهَا الْعِرَاقُ فَمَنْ أَدْرَكَهُ فَلْيَنْصُرْهُ»^{۲۵} «به درستی که این پسر من در زمینی به نام عراق کشته می‌شود، پس هرکسی او را درک کرد، باید یاریش کند».

از انس بن حارث روایت دیگری به این لفظ نقل شده که پیامبر(ص) فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا يُقْتَلُ بِأَرْضٍ مِنَ الْعِرَاقِ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءُ فَمَنْ شَهِدَ ذَلِكَ مِنْهُمْ فَلْيَنْصُرْهُ»^{۲۶} در این روایت شریف به صراحت محل شهادت فرزند خود را نام می‌برد. در خبر دیگری عبدالله بن عمر گفت: شنیدم رسول

یکی از فضایل غیراقتصادی حسین(ع)، که شاید از عوامل شدت محبت پیامبر اکرم(ص) به او می‌شد، عبارت از این بود که وی شبیه‌ترین اهل بیت به پیامبر اکرم(ص) محسوب می‌شد. روایت شده وقتی سر امام حسین(ع) را در طشتی نزد ابن زیاد آوردند و او با شمشیر یا چوب‌دستی خود بر آن چشم و بینی مبارک می‌زد و سخن از نیکویی و زیبایی آن حضرت می‌گفت، انس گفت: «شبیه‌ترین ایشان (اهل بیت) به پیامبر خدا(ص) بود»^{۲۰}.

۳) پیشگویی از شهادت حسین(ع)

از معجزات روشن و غیرقابل انکار پیامبر اکرم(ص) پیشگوییها و اخباری است که آن حضرت از حوادث آینده بیان کرده است که در تاریخ اسلام تردیدی در مورد آنها نیست. علاوه بر این، پیامبر از حوادث آینده و امور غیبی آن چنان خبر داده که در خارج نیز واقع شده است. یکی از خبرهای غیبی پیامبر اکرم(ص)، پیشگویی شهادت امام حسین(ع) است که احادیثی از طرق متعدد شیعه و کتابهای حدیث و تراجم اهل سنت روایت شده است که هم قرائن یقینی بودن و صحت آن اخبار را تأیید می‌کند و هم به حسب محتوی و مضمون در حد تواتر می‌باشند؛ علاوه بر آن اینکه برخی از آن اخبار غیبی مذکور در خارج به وقوع پیوسته است. در ذیل به عنوان نمونه به چند حدیث اشاره می‌شود:

- از عایشه روایت شده است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ أَنَّ ابْنَ الْحُسَيْنِ يُقْتَلُ بَعْدِي بِأَرْضِ الطُّفِّ وَجَاءَنِي بِهِذِهِ التَّرْبَةِ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ فِيهَا مَضْجَعَهُ» «جبرئیل به من خبر داد که پسر من حسین بعد از من کشته می‌شود، در زمین طف، و این خاک را برایم آورد و خبرم داد که در آن مضجع (آرامگاه) او است»^{۲۱}.

- در طریق دیگر از عایشه روایت است که «أَنَّ جَبْرِئِيلَ أَرَانِي التَّرْبَةَ الَّتِي يُقْتَلُ عَلَيْهَا الْحُسَيْنُ فَاشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَيَّ مَنْ يَسْفِكُ دَمَهُ»^{۲۲} «جبرئیل خاکی را که حسین بر آن کشته می‌شود، به من نشان داد، پس خشم الهی بر کسی که خون او را می‌ریزد، شدت گرفت».

- از ام الفضل دختر حارث روایت شده که پیامبر اکرم(ص)

۲۳. الصواعق المحرقة، ص ۱۹۰؛ مقتل الحسين، خوارزمی، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۲۴. بتایع المودة، ج ۳، ص ۱۱.

۲۵. اسد الغابة، ج ۱، ص ۳۴۹؛ الاصابه، ج ۱، صص ۲۶۶ و ۲۶۸.

۲۶. كنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۲۶.

۲۰. صحيح البخاری، ج ۲، ص ۱۸۸؛ اسد الغابة، ج ۲، ص ۲۰.

۲۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۹۰؛ كنز العمال، ج ۶، ص ۲۲۳.

۲۲. همان.



خدا(ص) فرمود: «حَسْبُ مَقْتُولٍ فَلَيْتَنِي خَذَلُوهُ وَلَمْ يَنْصُرُوهُ لِيَخْذُلْتَهُمُ اللَّهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛^{۲۷} «حسین کشته می‌شود، پس اگر او را رها کنند و یاری‌اش نکنند، خدا آنها را تا روز قیامت یاری نخواهد کرد».

از این‌گونه اخبار که فراوان از پیامبر اکرم(ص) نقل شده، استفاده می‌شود که شهادت بر امام حسین(ع) نوشته شده و یکی از فضایل بزرگ و افتخارات آن حضرت، شهادت بوده است. بنابر روایات منقول از طرق اهل تسنن، شهادت حسین(ع) از سوی پیامبر اکرم(ص) پیشگویی شده بود و به طور مکرر آن حضرت با یادآوری این اخبار برای حسین(ع) به سوگواری پرداخته است. حجت و فصل الخطاب بودن اعمال رسول خدا(ص) برای مسلمانان و الگوی حسنه بودن آن حضرت در ابعاد گوناگون زندگی برای پیروانش، از نظر همه مسلمانان امری حتمی و پذیرفته شده است. اهل سنت سیره پیامبر اکرم(ص) را حجت و لازم الاتباع می‌دانند. بدین‌سان این دسته از روایات که اشاره به شهادت امام حسین(ع) دارد، مظلومیت او را یادآور شده و رفتار رسول خدا(ص) نسبت به حسین(ع) را به عنوان یک سنت قابل پیروی و عملی تقرب‌بخش در بین آنان مطرح می‌کند.

شخصیت اخلاقی امام حسین(ع) و اسوه بودن او
بدیهی است که ارزش واقعی انسانها به کمالات و فضیلت‌های اخلاقی است. انسانها گرچه از جهت ظاهری با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، ولی این تفاوتها موجب امتیاز نیست. سبب امتیاز حقیقی تنها در کسب فضیلتها و کمالات معنوی و اخلاقی است. علم و اخلاق و کمالات افراد نشان‌دهنده مقدار سیر و سلوک آنها و مراحل معنوی است که پیموده‌اند. انسان فطرتاً شایسته اخلاق نیک است و صاحبان مکارم اخلاق را دوست می‌دارد و تحت تأثیر فضایل اخلاقی آنان قرار می‌گیرد. این چنین انسانهایی به خوبی می‌توانند اسوه و الگوی دیگران واقع شده و منبع و سرچشمه تقریب و نزدیک شدن سلیقه‌های مختلف و فرقه‌های گوناگون به یکدیگر شوند.

امام حسین(ع) از صاحبان و سرچشمه‌های اصیل مکارم

اخلاق است که نماینده تکامل و ترقی انسان و امتداد خلق و خوی کریم نبوی بود تابش معنویت اخلاق پیامبر در وجودش آشکار بود، بنابراین در جنبه کمالات انسانی و معنوی به خوبی می‌تواند در اوضاع نابسامان بی‌فضیلتی و بداخلاقی زمانه معاصر ما، الگو و اسوه یکپارچه تمام مسلمانان قرار گیرد.

بنی‌امیه بعد از شهادت حسین(ع) ۶۰ سال او و پدرش را بر فراز منابر سب و لعن می‌کردند، ولی یک نفر نتوانست نسبت به مقام ورع و پارسایی و مراعات او از احکام دین جسارتی بنماید و او را به کوچک‌ترین صغیره‌ای در آشکار یا پنهان متهم سازد. آنها می‌خواستند که در حسین(ع) غیر از خروج بر حکومتشان چیزی گفته شود یا عیبی بجویند، اما زبان خودشان و زبان مزدورانشان را از نسبت دادن عیب به حسین(ع) کوتاه دیدند.^{۲۸}

حاصل سخن اینکه امام حسین(ع) همچون انبیا و راهنمایان الهی، الگویی همه‌جانبه برای امت اسلامی در دستیابی به کمالات روحی و معنوی است. آنچه از آن حضرت می‌توان آموخت، تنها درس حماسه و انقلاب و ظلم‌ستیزی نیست، بلکه علاوه بر آنها درس عبودیت و جوانمردی و انس با قرآن و تهجد و تکریم انسان است. در اینجا به عنوان نمونه به برخی از مکارم اخلاق و فضایل آن حضرت از منابع اهل سنت اشاره می‌شود که به خوبی می‌تواند اسوه تمام مسلمانان واقع شده و از این رهگذر به بازسازی ایمانی و فرهنگی جوامع شیعه و سنی کمک نماید و عاملی جهت تقویت تقریب و اتحاد بین مذاهب قرار گیرد:

۱) عبادت امام حسین(ع)

روایت شده که حسین(ع) با فضیلت و متمسک به دین بود و نماز و روزه و حج او بسیار بود: «كَانَ الْحُسَيْنُ فَاضِلاً دِيناً كَثِيرَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ».^{۲۹} عبدالله بن زبیر در وصف عبادت آن حضرت گفت: «لَقَدْ كَانَ قَوَّاماً بِاللَّيْلِ صَوَّاماً بِالنَّهَارِ...». «علاوه بر نمازهای پنج‌گانه، نمازهای دیگر بجای می‌آورد و علاوه بر روزه ماه رمضان، در ماههای دیگر هم روزه می‌گرفت و در هیچ سالی حج خانه خدا از

۲۸. ابوالشهداء الحسين بن علی(ع)، صص ۱۳۶ و ۱۴۴.

۲۹. اسد الغابة، ج ۲، ص ۲۰؛ الاستيعاب، ج ۱، ص ۳۷۸.

۲۷. مقتل الحسين، خوارزمی، ص ۲۷۹.



او فوت نشد، مگر آنکه ناچار به ترک آن شده باشد».^{۳۰} عذرآورنده حق بگوید یا باطل».^{۳۴}

در اوج حماسه روز عاشورا هنگام ظهر اقامه نماز کرد تا به امت اسلامی بیاموزد که جان بر سر دین و نماز نهاده است. سعید بن عبدالله حنفی در برابر امام مانند سیر ایستاد تا حضرتش از اصابت تبر دشمن مصون بماند.^{۳۱} حال عبودیت و دعا و پرستش و مسکنت آن امام همام به درگاه خدا را به خوبی می‌توان از دعای معروف عرفه او و همچنین نماز و تلاوت قرآن و تهجد شب عاشورا فهمید.

۲) سخاوت حسین(ع)

ابن عساکر در تاریخ خود از ابی‌هشام فنّاد نقل نموده که او از بصره برای حسین(ع) کالا می‌آورد و آن حضرت از جای برنخاسته همه را به مردم می‌بخشید.^{۳۲} سالهایی که امام حسین(ع) در مدینه می‌زیست، با سخاوت و بزرگواری خود نیاز سائلان را برآورده می‌کرد. در تواریخ آمده که بار غذا و آذوقه به دوش می‌کشید و به خانه یتیمان و فقیران و بیوه‌زنان نیازمند می‌برد. بنابراین رسیدگی به محرومان و سرکشی به نیازمندان را نیز باید از آن حضرت آموخت. نقل است که روزی بر عده‌ای بینوا می‌گذشت که روی زمین مشغول غذا خوردن بودند. آنها پسر پیامبر را به آن طعام دعوت کردند. حضرت از اسب فرود آمده و در کنار آنها از غذایشان تناول کرد. سپس فرمود: «قَدْ أَجَبْتُكُمْ فَأَجِيبُونِي» و آنان را به خانه خود دعوت کرد و مورد پذیرایی قرار داد.^{۳۳} داستانهای فراوانی در مورد سخاوت و بزرگواری آن حضرت در کتب تواریخ و تراجم نقل شده است.

۳) ادب الهی حسین(ع)

امام حسین(ع) در آداب اجتماعی و معاشرت نیک با افراد دور و نزدیک بی‌نظیر بود و عفو و گذشت از خصال آن حضرت بود. نقل شده که فرمود: «اگر مردی به من دشنام دهد در این گوش، و به گوش راست خود اشاره کرد، و در گوش دیگرم عذر بیاورد، عذر او را می‌پذیرم برای اینکه

امیرالمؤمنین حدیث کرد که شنید جَدَم پیامبر(ص) فرمود: لَا يَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُحِقٍّ أَوْ مُبْطِلٍ؛ یعنی وارد حوض کوثر نمی‌شود، کسی که عذر را نپذیرد، خواه

۴) ارزش‌گذاری به تعلیم و تربیت

در نقلهای تاریخی آمده است که وقتی معلم به یکی از فرزندان امام حسین(ع) سوره حمد را آموخت، ۱۰۰۰ دینار جایزه به معلم داد و ۱۰۰۰ حُلّه داد و دهانش را پر از گوهر ساخت. کسی بدین عطیت بر او اعتراض کرد و این عطای بسزا را اسراف شمرد. امام فرمود: «عطای او بسی بزرگ‌تر باشد؛ زیرا فرزند مرا سوره حمد آموخته است» و دو بیت شعر خواند که مضمون آن به فارسی چنین است: «هرگاه دنیا نسبت به تو جواد و کریم بود، تو نیز در دنیا نسبت به مردم، کریم و سخی باش، پیش از آنکه از کُفّت برود. اگر دنیا به تو روی آورد هیچ جودی مانع آن نشود و اگر پشت کرد هیچ بخلی آن را ابقا نکند».^{۳۷} از این داستان، ارزش‌گذاری و اهمیت کارهای فرهنگی و آموزشی و تشویق معلم در نظر آن حضرت به دست می‌آید.

۳۴. کنز العمال، ج ۳، ص ۳۷۸.

۳۵. نساء، ۸۶.

۳۶. ابوالشهداء الحسين بن علی(ع)، ص ۱۴۵.

۳۷. فیض الدموع، ص ۸۷.

۳۸. تاریخ الامم و الملوك، ج ۴، ص ۳۰۶.

۳۰. ابوالشهداء الحسين بن علی(ع)، ص ۱۴۵.

۳۱. مقتل الحسين، ابومخنف، ص ۱۴۸.

۳۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۱۸۵.

۳۳. ابوالشهداء الحسين بن علی(ع)، ص ۱۴۰.



آن صفات در کربلا بعد از اینکه کاروان حسینی در آنجا نزول کرد، تجلی نمود. در استقامت اخلاق آن نفوس جلیله همین قدر کافی است که در میان کسانی که در رکاب حسین(ع) کشته شدند، کسی نبود که نتواند از کشته شدن به کلمه‌ای یا قدمی بپرهیزد یا بگریزد و خود را از آن میدان مرگبار نجات بخشد؛ با این حال همگی مرگ با شمشیر و نیزه و با لب تشنه را در رکاب حسین(ع) اختیار کردند، بدون اینکه کلمه‌ای بگویند یا قدمی بردارند که سبب نجات آنها از قتل باشد. برای اینکه آنان جمال اخلاق را بر متاع زندگی دنیا برگزیدند.^{۳۹}

نمونه‌هایی از فضایل دیگر امام حسین(ع) همچون علم و دانش او، عدالت خواهی، زهد، تواضع و فروتنی، ایمان خالص، شجاعت، بلندهمتی و مردانگی، صبر و شکیبایی را می‌توان در احادیث و تواریخ به وفور مشاهده کرد. بی‌تردید مقام خاص آن حضرت در اسلام و نزد مسلمانان تا حد زیادی مرهون همین فضایل اخلاقی و کمالات بی‌نظیر عظیم روحی او است. شهادت، شهامت، شرافت، پایمردی و ایمان حقیقی او به هنگام مواجه شدن با بحرانا، الهام‌بخش تمام امت اسلامی اعم از شیعه و سنی است.

اسوه بودن امام حسین(ع) در قیامهای عدالت‌خواهانه

از مهم‌ترین نقشهای امام حسین(ع) جنبه الگودهی و سرمشق قرار گرفتن آن حضرت از سوی شخصیت‌های بزرگ اهل سنت و شیعه و نیز راهنمایی آنها برای انقلابها و حرکت‌های رهایی‌بخش و عدالت‌طلبانه بعد از خود بوده است. ویژگی‌های این قیام که می‌تواند سرمشق انقلاب‌های حقیقت‌خواه و عدالت‌طلبانه در جوامع شیعه و سنی باشد، به طور مختصر چند مقوله است:^{۴۰}

۱) رهبر آگاه و مقاوم

رهبر این حرکت نه تنها تمام مشقات و سختی‌ها را به جان می‌خرد، بلکه زنان، فرزندان و بستگانش بیش از دیگران در صف مقدم مبارزه و اسارت و انواع مشکلات قرار داشتند. امام حسین(ع) با آن همه مشکلات و مصیبت‌ها

کمترین ضعفی از خود نشان نداد و هیچ افسردگی، ناشکیبایی و تصمیم عجولانه از حضرتش مشاهده نشد.^{۴۱} او تا لحظه آخر شعار آزادگی، بندگی و ایمان سر داد؛ شعارهایی همچون «یا شیعة ابی سفیان! إن لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم».^{۴۲} این در حالی بود که دشمن برخلاف اصول انسانی و جوانمردی مرسوم میان عرب، به غارت خیمه‌ها و آتش زدن آنها و آزار و اذیت زنان و اطفال پرداخت.^{۴۳}

۲) یاران بی‌نظیر و نمونه

یاران و اصحاب امام حسین(ع) به تصریح خود وی، از باوفاترین و ارزشی‌ترین یاران تاریخ بوده‌اند. آنها با آنکه یقین به کشته شدن خود داشتند، به امام خویش عشق می‌ورزیدند و برای احیای دین و سنت پیامبر اکرم(ص) و امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با بدعتها، مقاومت مردانه‌ای از خود نشان دادند که در کل تاریخ مبارزات و نبردها بی‌نظیر است. با آنکه امام حسین(ع) بیعت خود را از آنان برداشت، امام را تنها نگذاشتند و در سایه روحیه قوی، ایمان خالص به مبدأ و معاد، وفاداری و ایستادگی در مقابل دشمن مبارزه کردند.^{۴۴}

۳) خانواده پیام‌رسان

خاندان امام از ابتدا در تمامی صحنه‌ها حاضر بودند و کل مشکلات را مستقیم تجربه و تحمل می‌کردند، نظیر آوارگی، مسافرت طولانی، ترس از راه، پیمان‌شکنی کوفیان، تشنگی و تحمل داغ از دست دادن عزیزان. مهم‌تر از همه، اسارت آنان فرصتی شد تا به تبلیغ آرمانها و اهداف شهدا و افشاگری مفاسد و جنایات دشمن پردازند. آنها این پیام را در روستاها و شهرهای در مسیر کوفه تا شام تبلیغ و ترویج کردند. به برکت فعالیتهای تبلیغی آنها بود که مجالس عزاداری و اظهار نفرت از یزید و ابن‌زید تشکیل شد، به طوری که آنها مجبور شدند مسئولیت این جنایتها را به کارگزاران خود احاله دهند.^{۴۵}

علایلی، از نویسندگان صاحب‌نظر اهل تسنن می‌نویسد:

۴۱. العبر فی خبر من غیر، ج ۱، ص ۶۵.

۴۲. شذرات الذهب، ج ۱، ص ۶۷.

۴۳. مقاتل الطالبین، ص ۷۹؛ ینایع المودة، ج ۳، ص ۷.

۴۴. تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، صص ۴۱۸-۴۲۲.

۴۵. همان، ج ۵، صص ۴۵۴-۴۶۵.

۳۹. ابوالشهداء الحسین بن علی(ع)، صص ۱۳۶ و ۱۴۴.

۴۰. با تلخیص و تصرف: انقلاب کربلا از دیدگاه اهل سنت، صص ۲۷۷-۲۸۱.



مشاهده می‌شود، همین الگوبرداری تمام مسلمانان از امام حسین(ع) است به طوری که اهتمام اهل سنت نیز در این زمینه قابل تأمل است.

بسیاری از نویسندگان و صاحب نظران معاصر اهل سنت به برخی از ویژگیهای قابل الگوبرداری امام حسین(ع) در سخنان خود اشاره کرده‌اند. آنان نهضت حسینی را یک ایدئولوژی منسجم و توانمند سیاسی می‌دانند، که به جای عاملی برای دشمنیهای تاریخی، باعث درک و همدلی بیشتر و بهتر شیعه و سنی، و آمادگی و تقویت برای مقابله با دشمنان اصلی آنها می‌شود. این نویسندگان و صاحب نظران، تصویر قابل قبولی از نهضت حسینی ارائه می‌دهند. اینها برخلاف برخی از نویسندگان گذشته اهل سنت، نظیر ابن‌العربی که می‌گوید: «سرکوب کنندگان حرکت حسین به حدیث پیامبر عمل کردند که فرموده بود: هرکس بخواهد بین امت اسلامی تفرقه ایجاد کند، او را با شمشیر سرکوب کنید، هرکس می‌خواهد باشد».^{۴۸} هرگز قیام امام حسین(ع) و شخصیت او را تخطئه و از یزید دفاع نمی‌کنند، بلکه تنها در مواردی اندک از جمله در اهداف قیام امام(ع) و مسائلی از این قبیل، با نویسندگان شیعه اختلاف نظر دارند. این دیدگاهها دائماً در حال رشد و گسترش است و افراد زیادی از اهل سنت طرفدار آن هستند که در ذیل به سخنان برخی از آنها اشاره می‌شود:

شیخ محمد عبده از مصلحان بزرگ می‌گوید: «هنگامی که در دنیا حکومت عادلانه وجود دارد و هدفش اقامه شرع و حدود الهی است و در برابر آن حکومتی ستمگر است که می‌خواهد حکومت عدل را تعطیل کند، بر هر مسلمانی یاری و مساعدت حکومت عدل واجب است و در همین باب، انقلاب امام حسین(ع) است که در برابر حکومت یزید، که خدا او را خوار کند، ایستاد».^{۴۹}

اقبال لاهوری اندیشمند، عارف و شاعر پرآوازه پاکستانی، و از اندیشمندان اهل سنت در قرون معاصر در دیوان شعر خود از امام حسین(ع) و عشق او به حقیقت و لزوم پیروی از آن حضرت و آموزش آزادی و آزادگی از قیام وی یاد می‌کند و سرانجام خود تصریح می‌کند:

آنچه از اخبار و تواریخ امام حسین(ع) به دست می‌آید این است که آن حضرت نهایت مراقبت را در تأسی به جد بزرگوار خود داشت، به طوری که از همه جهات نمونه کامل پیامبر بود. کسی که تمام حالات، سکون، حرکت، فکر و تأملاتش الهی بود، از طرف دیگر در جهاد و مبارزه فداکارانه شمشیر می‌زد و از خود گذشته بود. هیچ کار و تکلیفی او را از وظیفه و تکلیف دیگر باز نمی‌داشت. اگر حسین بن علی(ع) را در بین بزرگان و صاحبان شخصیت مقدم می‌داریم، فقط به این دلیل نیست که مرد عظیمی را مقدم داشته‌ایم، بلکه عظیمی را مقدم داشته‌ایم که هر باعظمتی در عظمت، فرواد است و شخصی را برتری می‌دهیم که از هر شخصیت بالاتر است. این تقدیم کار تازه و بدیعی نیست؛ زیرا رجال تاریخ عمر خود را در تحصیل مجد و بزرگواری زمینی به پایان رساندند، اما حسین(ع) جان خود را در راه تحصیل مجد آسمانی فدا کرد و چنین کسی صد البته بالاتر و برتر است. پس مردی که از هر نظر به او نگاه کنی، به هر جهت که او را ببینی، عظمت ببینی و او را به عظیمی منتهی ببینی. مردی است که مجمع عظمتها و مرکز اقتران بزرگیها است. پس یاد او و ذکر حالات او فقط یاد و ذکر یک انسان بزرگ نیست، بلکه یاد و تذکار انسانیت جاویدان است. باید همواره او را یاد کرد و او را مصدر الهامات نفس خود قرار داد؛ زیرا او مصدر الهام الهی است که انوار آن زمان و مکان را دنوردیده و هر لحظه در درخشندگی و در آسمان و زمین نفوذ می‌کند، و در حد و اندازه‌ای وقوف ندارد؛ زیرا نور خدا محدود و موقوف نیست.^{۴۶}

سخنان برخی از صاحب نظران معاصر اهل سنت درباره امام حسین(ع)

محمدعلی جناح، رهبر شیعی بزرگ پاکستان می‌گوید: «هیچ نمونه‌ای از شجاعت، بهتر از آنچه امام حسین(ع) نشان داد، در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمانان باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی نمود، پیروی نمایند».^{۴۷} آنچه امروز

۴۸. درسی که حسین به انسانها آموخت، ص ۴۷.

۴۹. تفسیر المنار، ج ۱، ص ۳۶۷؛ ج ۲، ص ۱۸۳.

۴۶. پرتوی از عظمت امام حسین(ع)، صص ۱۵۱ و ۱۵۲.

۴۷. العواصم من القواصم، ج ۲، ص ۲۳۲.



«ز آتش او شعله‌ها افروختیم/ رمز قرآن از حسین آموختیم تازه از تکبیر او ایمان هنوز/ تار ما از زخمه‌اش لرزان هنوز اشک ما بر خاک پاک او رسان/ ای صبا! ای پیک دور افتادگان».^{۵۰}

اقبال لاهوری بسیار به اهمیت زنده نگه داشتن محرم و عزاداری امام حسین(ع) با قلم و شعر اهتمام ورزیده است و نسبت به دیگر شاعران اهل سنت، درخشش افزون‌تری در ستایش از امام حسین(ع) و قیام عاشورا دارد. توجه وی به نهضت کربلا و وارد کردن آن به صحنه ادبیات منظوم فارسی، نشان دهنده آن است که قیام حسینی وارد عرصه تفکر جدید سیاسی، هنر و ادبیات اهل سنت شده است. از نظر وی امام حسین(ع) یک شخصیت کامل برای برانگیختن و بیدارسازی ملل خفته مسلمان و مبارزه و شهادت فداکارانه، تفسیرکننده رازهای پنهان قرآن است.^{۵۱} سید قطب می‌نویسد: «حسین(ع) به آن شکل بزرگ و سترگ شهید می‌شود و شهادتش فاجعه بزرگی است. شهادتش به صورت ظاهر و با معیار و مقیاس کوچک انسانی، شکست تلقی می‌شود، اما در اصل و حقیقت و با مقیاس بزرگ الهی، پیروزی است. در روی زمین همانند امام حسین(ع) هیچ شهیدی وجود ندارد که دلها به عشق وی بتپند و از مهر و محبت او لبریز باشند و قلوب مسلمانان شیعه و سنی و غیر مسلمانان در غیرت و فداکاری او به جوش و خروش آید. افراد بسیاری اگر ۱۰۰۰ سال زندگی می‌کردند، امکان گسترش عقیده و دعوت خود را نداشتند، اما حسین(ع) عقیده و دعوتش را با شهادت خود، اثبات کرد. هیچ خطابه‌ای جز خطابه حسین(ع) نتوانست قلوب را به سوی خود جلب کند و میلیونها انسان را به سمت کارهای بزرگ بکشانند».^{۵۲}

عبدالله علایلی می‌گوید: «هرکس در زندگی دو روز دارد: روز زنده شدن و روز مرگ. ولی امام حسین(ع) تنها یک روز داشت، روز زنده شدن و حیات؛ زیرا او هرگز نمرد و جان شیرین خود را بر سر عقیده پاک و هدف بزرگ و آرمان مقدس خود گذاشت، به همین دلیل تا حق، حقیقت

و اسلام در جهان زنده است، او هم زنده است».^{۵۳} در جای دیگر می‌نویسد: «ما امروز، بیش از هر دوره دیگری به رهبری مجاهد و پیشوایی چون حسین(ع) نیازمندیم تا در پی او، راه حرکت و در پرتو وجود او خواسته‌ها و تمایلات خود را متعادل کنیم. از مورخانی در شگفتم که امام حسین(ع) را به سبب قیامش سرزنش می‌کنند، در حالی که ما دائماً به قهرمانانی درود می‌فرستیم که برای دگرگون کردن وضع موجود و جایگزینی وضع مطلوب علیه حکومت‌های فاسد زمان خود قیام کردند و حسین بن علی(ع) از این قهرمانان یا بزرگ‌ترین این قهرمانان است».^{۵۴}

عباس محمود عقاد، نویسنده و ادیب مصری می‌نویسد: «آثار کوپنده‌ای که قیام امام حسین(ع) به جای گذاشت و موجب نابودی طاغوتیان به دست آزادگان شد، بسیار است و حکومت ستمکار و گسترده امویان از نظر زمان و مکان، بر اثر قیام یک نفر، در یک روز به هم ریخت و نابود شد؛ زیرا شیعیان و آزادگان همواره خواهان هدف حسین بن علی(ع) بودند و آن را دنبال کردند و در نتیجه خسارت ضایعات حقیقی دشمنان در روز عاشورا و در کربلا زیاده‌تر از خسارت شکست ظاهری حسینیان بود. جنبش حسین(ع)، یکی از بی‌نظیرترین جنبشهای تاریخی است که تاکنون در زمینه دعوت‌های دینی یا نهضت‌های سیاسی پدیدار گشته است».^{۵۵}

نتیجه‌گیری

با نگاهی اجمالی به کتب روایی اهل تسنن استنباط می‌شود که امام حسین(ع) نزد پیامبر اکرم(ص) از عظمت و ارج و قرب بالایی برخوردار بوده و همواره مورد محبت و علاقه آن حضرت قرار داشته است. سیره و سنت پیامبر از نظر اهل سنت و شیعه امری لازم الاتباع و حجت است. پرواضح است با توجه به حب خارق‌العاده پیامبر به حسین(ع) و محبت امت اسلام به محبوب پیامبر، تبعیت از سنت آن حضرت لوازمی در عمل فردی و اجتماعی افراد دارد، از

۵۳. الامام الحسین، ص ۸۸.

۵۴. همان، صص ۱۵ و ۲۸۰.

۵۵. ابوالشهداء الحسین بن علی(ع)، ص ۱۸۱.

۵۰. کلیات/ اشعار، صص ۷۴ و ۷۵.

۵۱. «امام حسین(ع) در منظر اهل سنت و تشیع»، ج ۱۱، ص ۳۱۶.

۵۲. فی ظلال القرآن، ج ۱۲، صص ۴۱۶ و ۴۱۷.

قبیل نزدیک شدن دلهای مسلمانان به یکدیگر و اجتناب از هرگونه عداوت خانمان سوز. به عبارت دیگر، محبان محبوب پیامبر باید محب و محبوب یکدیگر نیز باشند. از طرف دیگر امام حسین (ع) دارای فضایل روحی و معنوی بی نظیری است که در هیچ فرد دیگری مشاهده نمی شود. همه اینها از او شخصیتی بی بدیل می سازد که حرکت انقلابی او الگو و سرمشق قیامهای زیادی در طول تاریخ شده و به دگرگونی مسیر تاریخ در بسیاری از مناطق منجر شده است. با نگاهی گذرا به تاریخ معلوم می شود که حادثه عاشورا در انحصار جامعه شیعه باقی نمانده و

فراتر از آن اثرگذار بوده است. بنابراین باید پذیرفت که زنده نگه داشتن یاد و نام سالار شهیدان حسین بن علی (ع) می تواند مبنای گفتمان تقریب بین مذاهب باشد و بیش از پیش محور مشترک نزدیک شدن تشیع و تسنن به یکدیگر قرار گیرد. پیامهایی که از واقعه عاشورا استفاده می شود از جمله: امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با فساد و تبعیض، اجرای عدالت، احیای دین و استفاده از اصول صحیح، مسائلی هستند که از دیرباز در جوامع شیعه و سنی مورد پذیرش بوده است و خود این امور می تواند گفتمان اتحاد بین شیعه و اهل سنت را بیشتر تقویت و تأمین نماید.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۱۴ق.
۴. ابن اثیر، عزالدین علی، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن العربی، ابوبکر، *العواصم من القواصم*، قاهره، المطبعة الاسلامیة، ۱۳۷۵ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۷. ابن حجر، احمد، *الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقة*، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، قاهره، مکتبة القاهرة، ۱۳۸۵ق.
۸. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق: محمد البجاوی، بیروت، دارالجبیل، ۱۴۱۲ق.
۹. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۱۰. ابن عماد حنبلی، ابوالفلاح عبدالحی، *تذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۱. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۹ق.
۱۲. ابن ماجه، ابوعبدالله محمد، *سنن ابن ماجه*، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، داراحیاء الکتب العربیة، بی تا.
۱۳. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، *السيرة النبویة*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۴. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، *مقاتل الطالبین*، تحقیق: کاظم المظفر، نجف، مکتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
۱۵. ابومخنف الأزدی، لوط بن یحیی، *مقتل الحسین*، تحقیق و تعلیق: حسین غفاری، قم، مطبعة العلمیة، بی تا.
۱۶. احمد بن حنبل، *المسند*، بیروت، دارصادر، بی تا.
۱۷. اسماعیل زاده، محمد، «امام حسین (ع) در منظر اهل سنت و تشیع»، مجموعه مقالات همایش امام حسین (ع) و دیدگاهها، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۸۱ش.
۱۸. اقبال لاهوری، کلیات اشعار، مقدمه احمد سروس، کتابخانه سنایی، ۱۳۶۰ش.
۱۹. بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۲۰. ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، *سنن ترمذی*، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۲۱. خوارزمی، ابوالمؤید، *مقتل الحسین*، تحقیق: شیخ محمد





- السماوی، قم، دارانوار الهدی، ۱۴۱۸ق.
۲۲. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، *العبر فی خبر من* غبر، تحقیق: صلاح‌الدین المنجد، کویت، ۱۹۶۰م.
۲۳. همو، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق: شعیب الأرناؤوط و حسین الأسد، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۲۴. رشیدرضا، *تفسیر المنار*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق.
۲۵. زرنندی حنفی، *نظم درر السمطین*، بی‌جا، ۱۳۷۷ق.
۲۶. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الجامع الصغير فی احادیث البشير النذیر*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۲۷. شریاضی ازهری، احمد، *حفیة الرسول (ص): نفحات من سيرة السيدة زينب (ع)*، قاهره، الدار القومية، ۱۹۶۳م.
۲۸. صافی، لطف‌الله، *پرتوی از عظمت امام حسین (ع)*، قم، مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله صافی، ۱۴۳۰ق.
۲۹. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، *المعجم الاوسط*، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
۳۰. همو، *المعجم الصغير*، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
۳۱. همو، *المعجم الكبير*، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، موصل، مطبعة الزهراء الحديثة، ۱۴۰۴ق.
۳۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الامم والملوک*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۳۳. عقاد، عباس محمود، *ابوالشهداء الحسین بن علی*، تحقیق: محمدجاسم ساعدی، تهران، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامية، ۱۴۲۵ق.
۳۴. علایلی، عبدالله، *الامام الحسین*، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۴ش.
۳۵. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، *القاموس المحيط*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۷ق.
۳۶. قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، ترجمه مصطفی خرم‌دل، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۳ش.
۳۷. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینایع المودة لذوی القربى*، تحقیق: علی جمال اشرف الحسینی، دارالاسوة، ۱۴۱۶ق.
۳۸. متقی هندی، علاء‌الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تحقیق: شیخ بکری حیانی، تصحیح و فهرست: شیخ صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۳۹. منساوی، عبدالرؤوف، *کنوز الحقایق فی حدیث خیر الخلائق*، چاپ سنگی، بمبئی، بی‌تا.
۴۰. ناصری داوودی، عبدالحمید، *انقلاب کربلا از دیدگاه اهل سنت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶ش.
۴۱. نسایی، احمد بن شعیب، *خصائص امیرالمؤمنین*، تعلیقات: ابواسحاق الحوینی الاثری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۴۲. نواب تهرانی، محمدابراهیم، *فیض الدموع*، تصحیح و تحقیق: اکبر ایرانی قمی، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۴ش.
۴۳. هاشمی‌نژاد، عبدالکریم، *درسی که حسین به انسانها آموخت*، تهران، فراهانی، ۱۴۱۳ق.